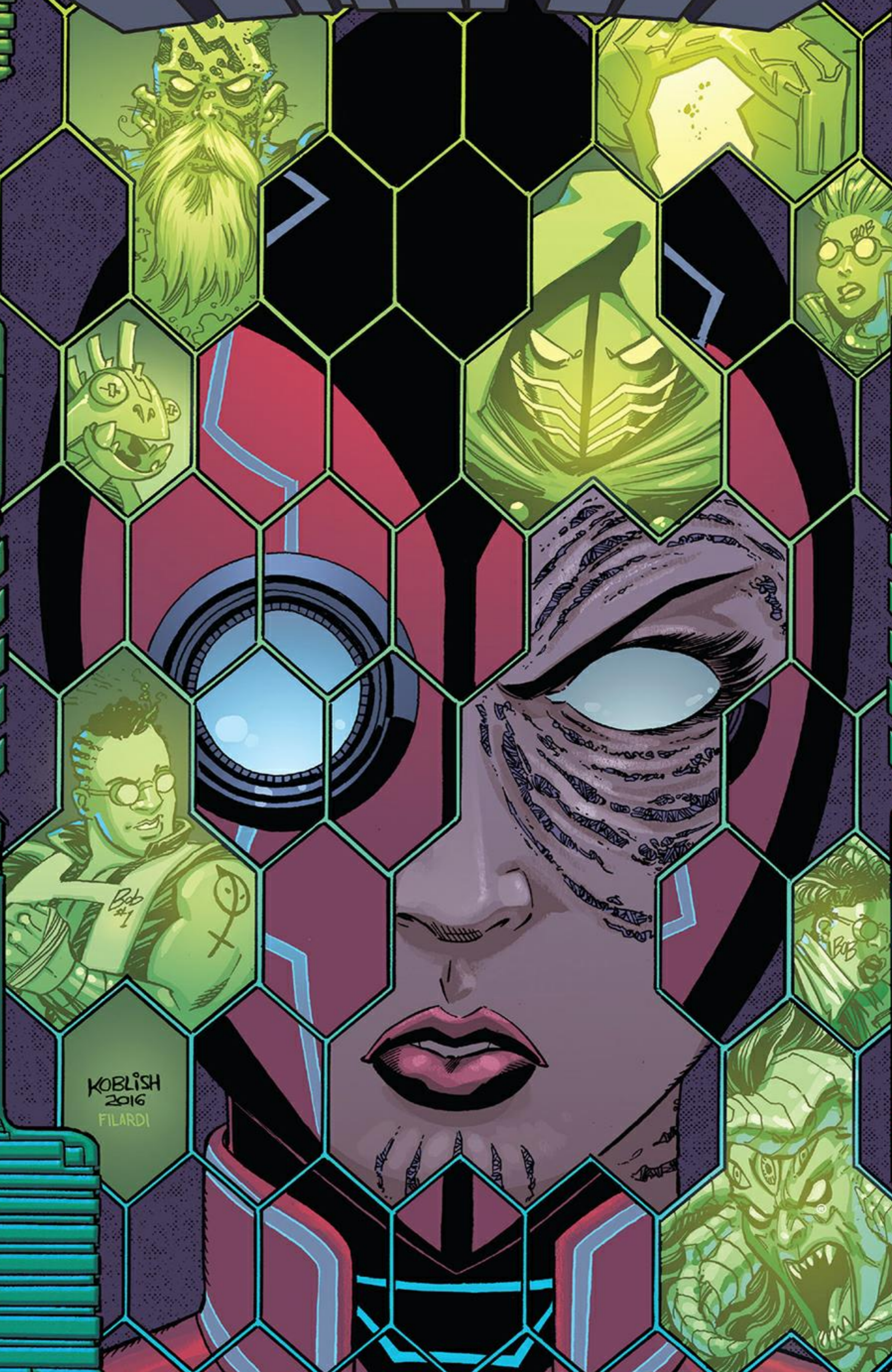


DUGGAN • KOBLISH • FILARDI

MARVEL

019

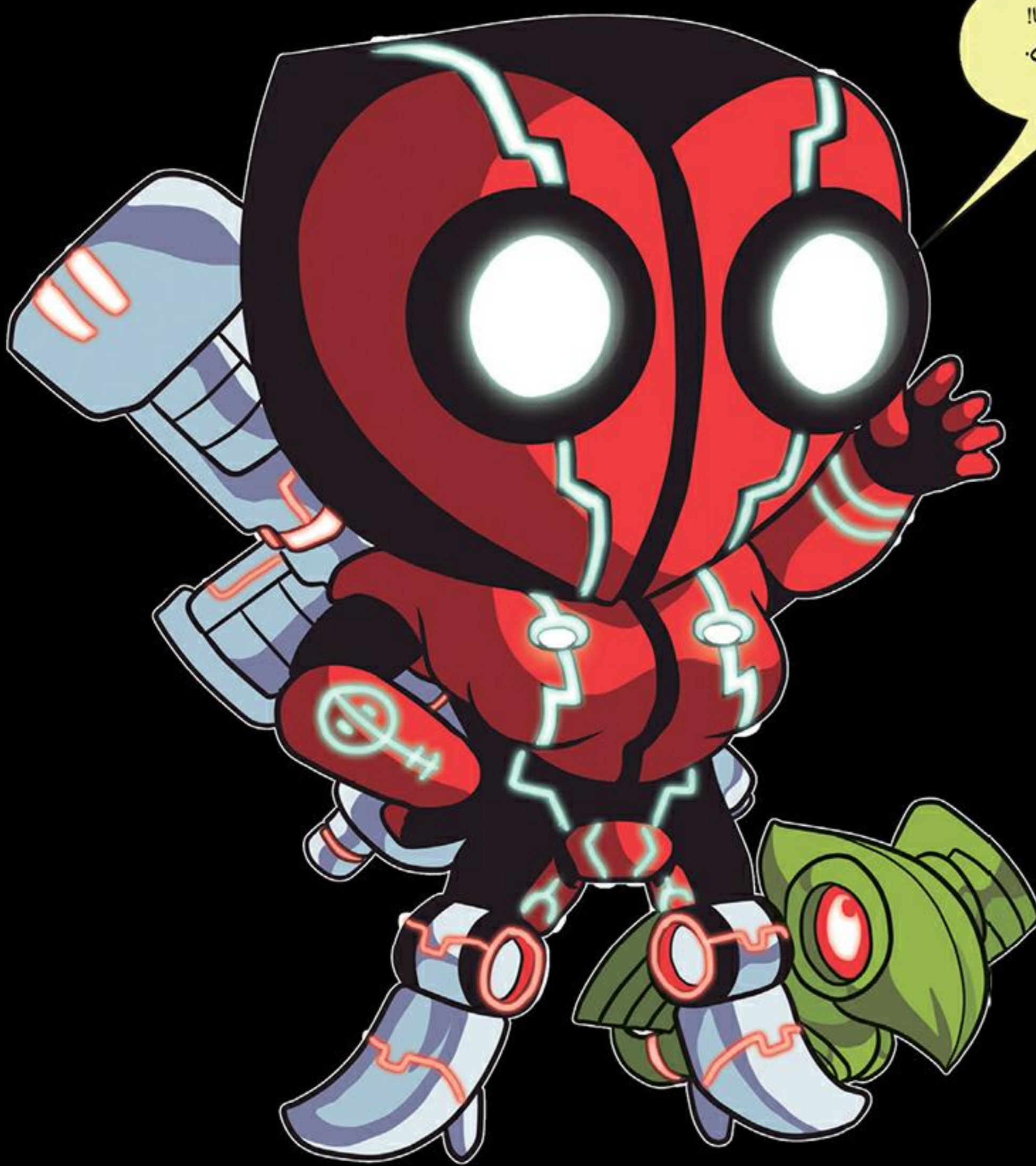
# DEADPOOL



KOBLISH  
2016  
FILARDI

احتمالا ماهرترین و قطعا خطرناکترین مزدور قرن، واردا ویلسون در سراسر دنیای ۲۰۹۹ دنبال خرابکاری و آشوب میگرده. بر علیه جامعه شورش میکنه و کارها رو به روش خودش انجام میده. به عنوان دختر یه مزدور تند-حرف که قابلیت خود درمانی داره، و یک ملکه ی جن شیطانی، واردا هیچ جایی که مناسبش باشه نداشت ... برای همین هم بیرون از هر جایی خونه ی خودش رو ساخت و با قوانین خودش زندگی میکنه. صدش کنین مزدور وراج ... صدش کنین احمق نمردنی ... صدش کنین ...

# ددپول



سلام به همه ددپولیا!  
منم، واردا ویلسون.  
ددپولِ قالم!

درسته، من ددپولم!  
یکدونه و تنها ددپول!

نه پدر مسخره ی  
به درد نخورم، وید ویلسون ...  
اون سالهاست که ددپول  
نبوده.

و مسلما  
نه خواهر ناتنی احمقم،  
الی پرستون! اون شاید  
لباس پوشیده باشه و سعی  
کرده باشه اسم منو بدزده ...  
ولی این اسم ماله منه،  
فهمیدین چی گفتم!؟

مدتهاست که وید  
رو زندانی نگه داشتم، سعی  
کردم زورش کنم تا بهم بگه  
مادرم، ملکه شیکلاه  
کجا رفته.

نه تنها هیچوقت  
به من نگفت، بلکه حالا الی  
اونو فراریش داده و با اون  
هوش مصنوعی مادرخونش، امیلی  
پرستون متحدش کرده.

نگران نباشین،  
یه راه حل خیلی  
ساده دارم.

میزنم فک الی  
رو میارم پایین!

L'L DEADPOOL ART BY  
IRENE Y. LEE

مترجم و ویراستار: احمد کلاتیانی

GERRY DUGGAN 2099  
WRITER

SCOTT KOBLISH 2099  
ARTIST

NICK FILARDI 2099  
COLORIST

VC'S JOE SABINO 2099  
LETTERER

SKOTT KOBLISH 2099 & NICK FILARDI 2099 GERRY DUGGAN 2099, SCOTT KOBLISH 2099, GURU-eFX 2099 & VC'S JOE SABINO 2099  
COVER #SECRETCOMIC VARIANT

HEATHER ANTOS 2099  
ASSISTANT EDITOR

JORDAN D. WHITE 2099  
EDITOR

AXEL ALONSO 2099  
EDITOR IN CHIEF

JOE QUESADA 2099  
CHIEF CREATIVE OFFICER

DAN BUCKLEY 2099  
PUBLISHER

ALAN FINE 2099  
EXECUTIVE PRODUCER

COMIC CITY

کمیک سیتی با افتخار تقدیم میکنه

© 2016 Marvel Characters, Inc. All rights reserved. All characters featured in this issue and the distinctive names and likenesses thereof, and all related indicia are trademarks of Marvel Characters, Inc. No similarity between any of the names, characters, persons, and/or institutions in this magazine with those of any living or dead person or insitution is intended, and any such similarity which may exist is purely coincidental. WWW.MARVEL.COM



پرستون!



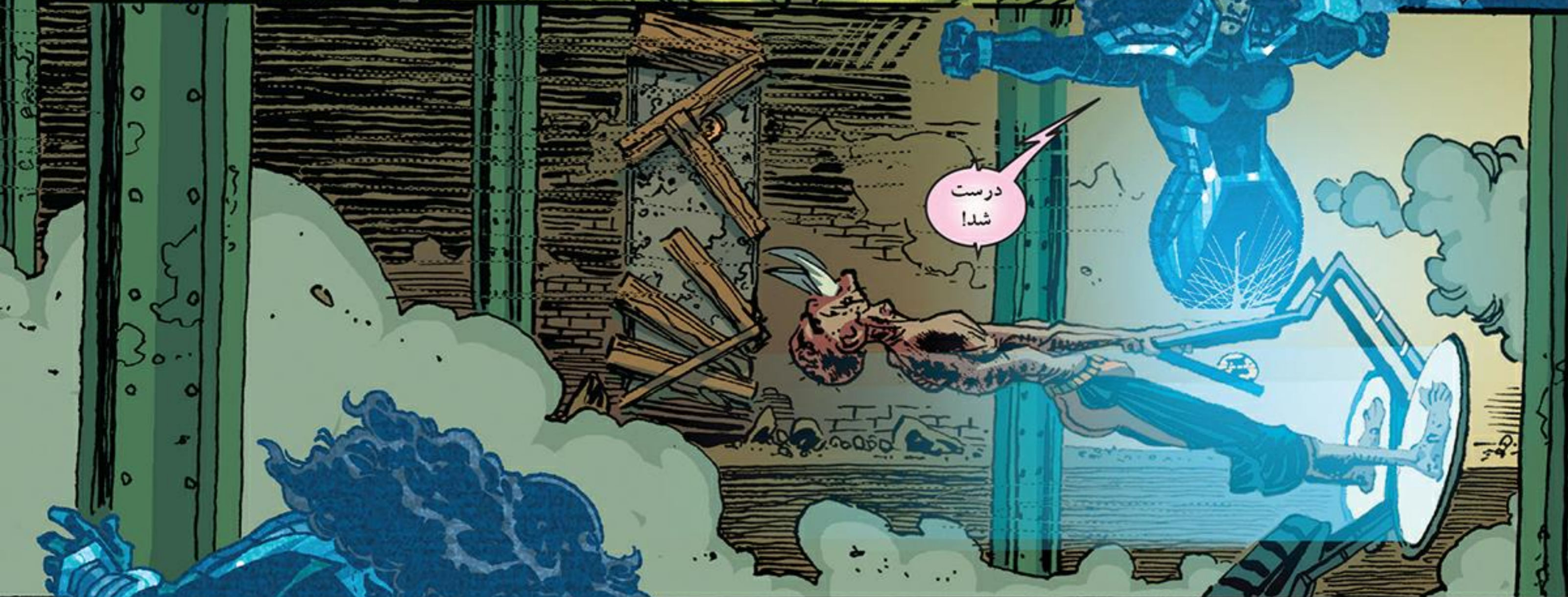
این وسیله  
رو نگه دار!



شدم اون چیزی که  
همیشه ازش متنفر بودم!  
یه پیرمرد راننده ی روانی!!



سعی میکنم  
راننده اتوماتیکش رو  
خاموش کنم!



درست  
شد!



عه اینجا رو  
یادمه.



اون موقع ها  
که گونی گونی پول  
داشتم، اینجا جز  
پاتوقام بود.



صنایع پارکر،  
مجوز ورود برای وید  
ویلسون صادر شد.

اینجا  
کجاست؟

پاتوق



فروشگاه مواد  
زیر تاثیر شیفر. کلی  
اتفاقات وحشتناک این پایین  
افتاده ...

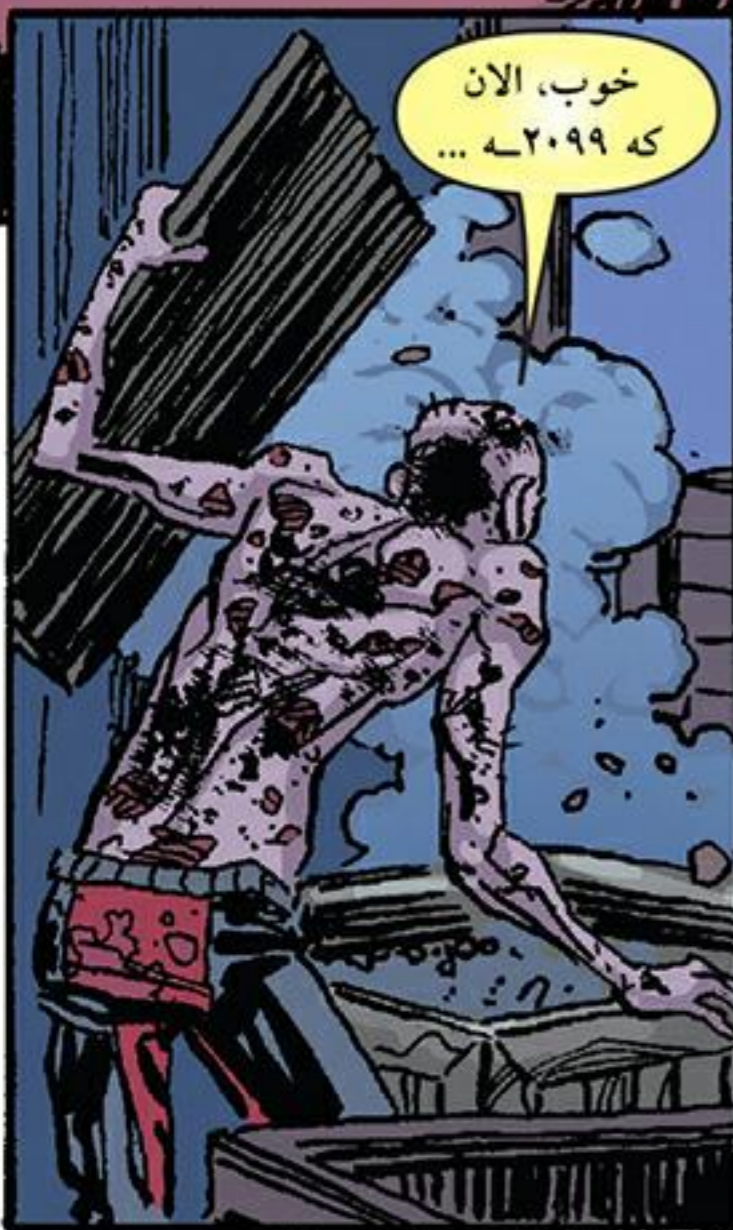


... حتی قبل  
اینکه من بخرمش!

موقعی که  
خواستم اینجا رو برای  
تیم استیو راجرز بگیرم،  
دکتر فالگیر بهم گفت  
روح داره.

نمک نشناسا!

تا کی مخوای  
واسه اتفاقی که افتاده  
خودت رو سرزنش  
کنی؟



خوب، الان  
که ۲۰۹۹ هـ ...



... منم تا  
روزی که بمیرم  
سر ۲۰۱۷ عصبی  
میمونم.



من قول داده بودم  
هیچوقت نپرسم، تو هم قول  
داده بودی هیچوقت نگي،  
ولی ...



... باید  
بدونم.



چه بلایی  
سر الی اومد؟

نمیدونم وید، من  
حتی قبلتر از تو رفتم.

ولی من نگران  
الی یا همه ی اون سالهایی  
که از بیخ گوشمون گذشت  
نیستم.



یا حتی اون موقع هایی  
که از بدترین ها میترسیدی.  
ما باید نگران واردا باشیم.

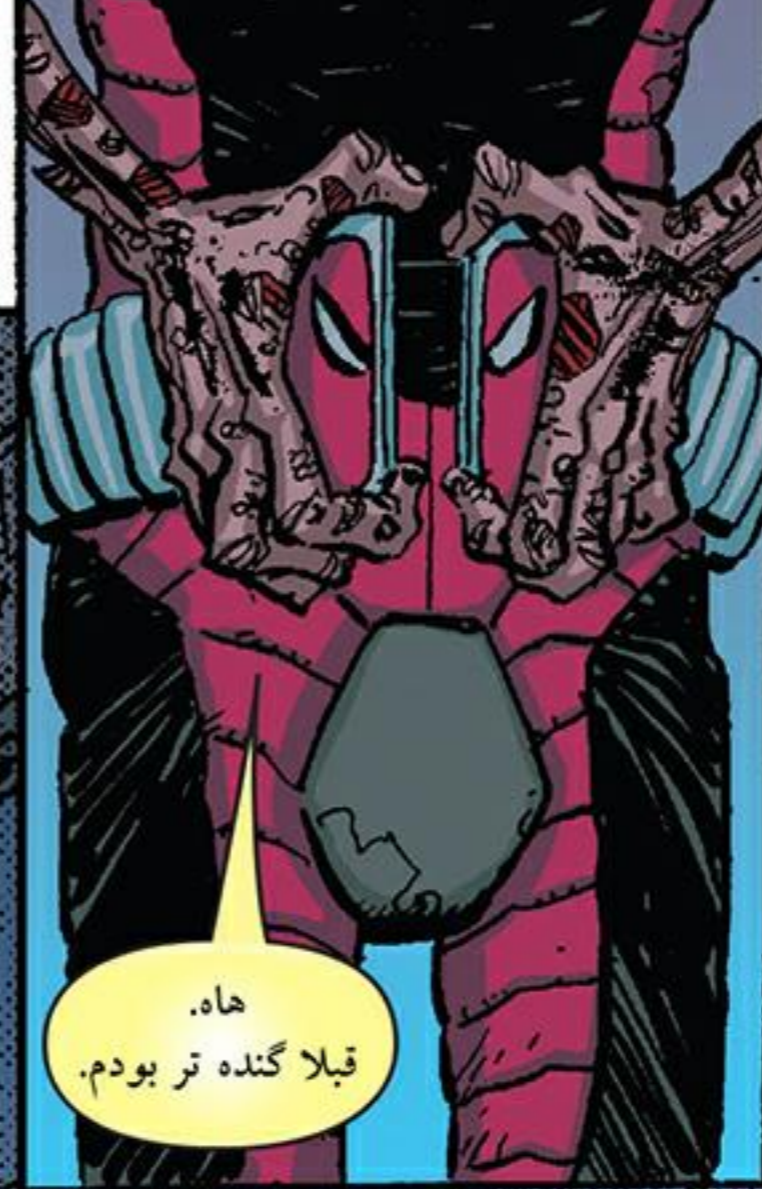


وارد.

واقعا باعث  
عذابه ...



... ولی احمق  
نیست.



هاه.  
قبلا گنده تر بودم.



وارد سعی  
میکنه به نقطه ضعف  
تو ما پیدا کنه.



الی هم بهترین  
شانسه.

باید اول  
اونو پیداش  
کنیم. اگه زنده  
باشه.

وید، میدونم که  
طی این سالها مغزت رو کلا  
تبدیل به آشغال کردی ... ولی  
از دورانی که الی به نوجوون  
شد چی یادته؟



"دخترمون میتونه از خودش مراقبت کنه."

وید و مامان من آزادنا!

حالا خودت تصمیم بگیر.

یاااااااا!

WHUD

یا سرد خونه؟

از ددپول به بابا!

چه خبر خانم رئیس؟

... ترجیح میدی بری زندان؟

آخ!

باید بیاین به باغ و اون نقشه ای که واسه موقعی که من دستگیر شدم داشتیم رو عملی کنین.

وای! دستبند زدن بهت؟

نه، ولی نقشه خوبیه. فقط راه بیفتین و منتظر باشین تا بهتون بگم چیکار کنین.

به مقاومت ادامه بده واردا ...

... یکمون آخرش میمیره!



داداش، داری چه غلطی میکنی؟  
خیلی خوب باب های قاتل ...  
رئیس به ما نیاز داره.

اون یکی از اون تابوتای ترسناک مامان ددپوله؟



هرچی که هست، رئیس خواسته بیریش تو باغ.



قراره یه نمایش ببینیم!



راه بیفتین بریم. حسابی نیرو بزارین روش.

"دستاتو بزار یه جا که من بتونم ببینمشون!!"



وگرنه شلیک میکنم!

هرچی میخوای بهم بگو ...



... ولی دولت هیچوقت نباید بچه مستخدمایی مثل شما رو مسلح میکرد.



من ... بچه مستخدم نیستم ... من یه مرد مستخدمم!

خوب حالا ... واسه من که همیشه جوجه مستخدمی!



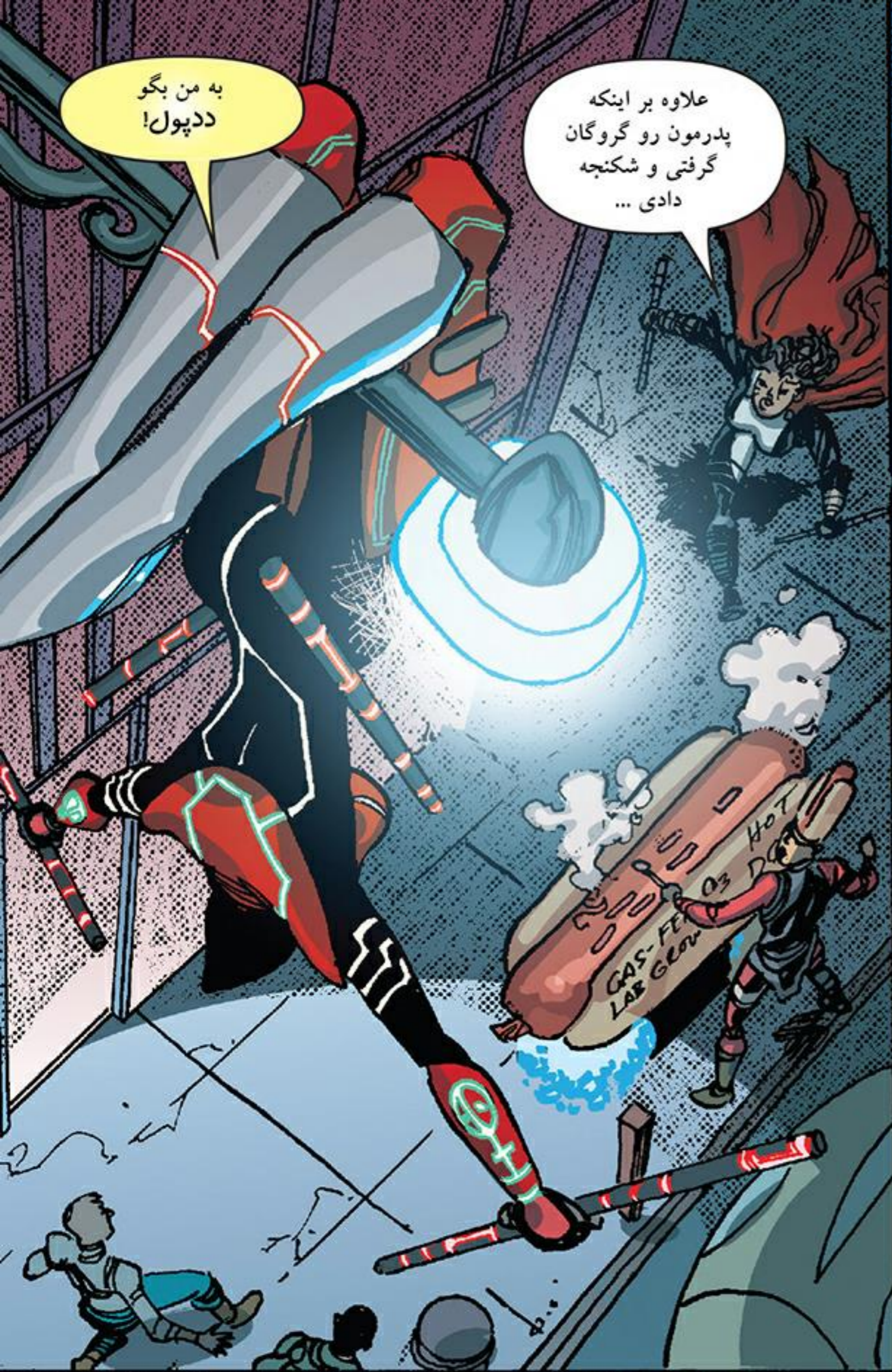
داری عصبانیم میکنی **وارد!**



حالا شایدم گناه داری، منظوری نداشتم.

اسم من اون نیست!





به من بگو  
دداپول!

علاوه بر اینکه  
پدرمون رو گروگان  
گرفتی و شکنجه  
دادی ...



...اسمت هم به  
مساله ی دیگست که  
میخوایم باهات راجع بهش  
حرف بزنم.

هییییی!



اون اسم  
مال تو نیست!



بیا شرط بزاریم  
هرکی آخر امشب  
زنده موند بتونه اسم رو  
نگه داره!

اووخ!



دادا دادا! تابوت  
نمیخواهی؟ با نو مو  
نمیزنه!

نه داداش،  
مرسی.

وایسا! اونا  
از این اسلحه خفنا  
هم دارن؟

نه، فقط یه  
جنازه ی بدبخت رو  
دزدیدن.



آآآ!



اووووفا!



این ورودی نیست،  
این در خروج اضطراریه،  
دور بزن برو خیابون  
... ۳۸

کمک! اینا  
منو گروگان  
گرفتن!



چینی ...

آآآآآ!



بمیر  
دیگه!



ای بابا ... هارد نوتس  
کنسرت داره؟ من عاشقشونم.  
باب گنده نمیخواد اینا  
رو بکشه.



خیلی خوب  
رئیس، ما  
رسیدیم.



باغ ستاره ی مدیسون  
امروز حسابی شلوغه ...



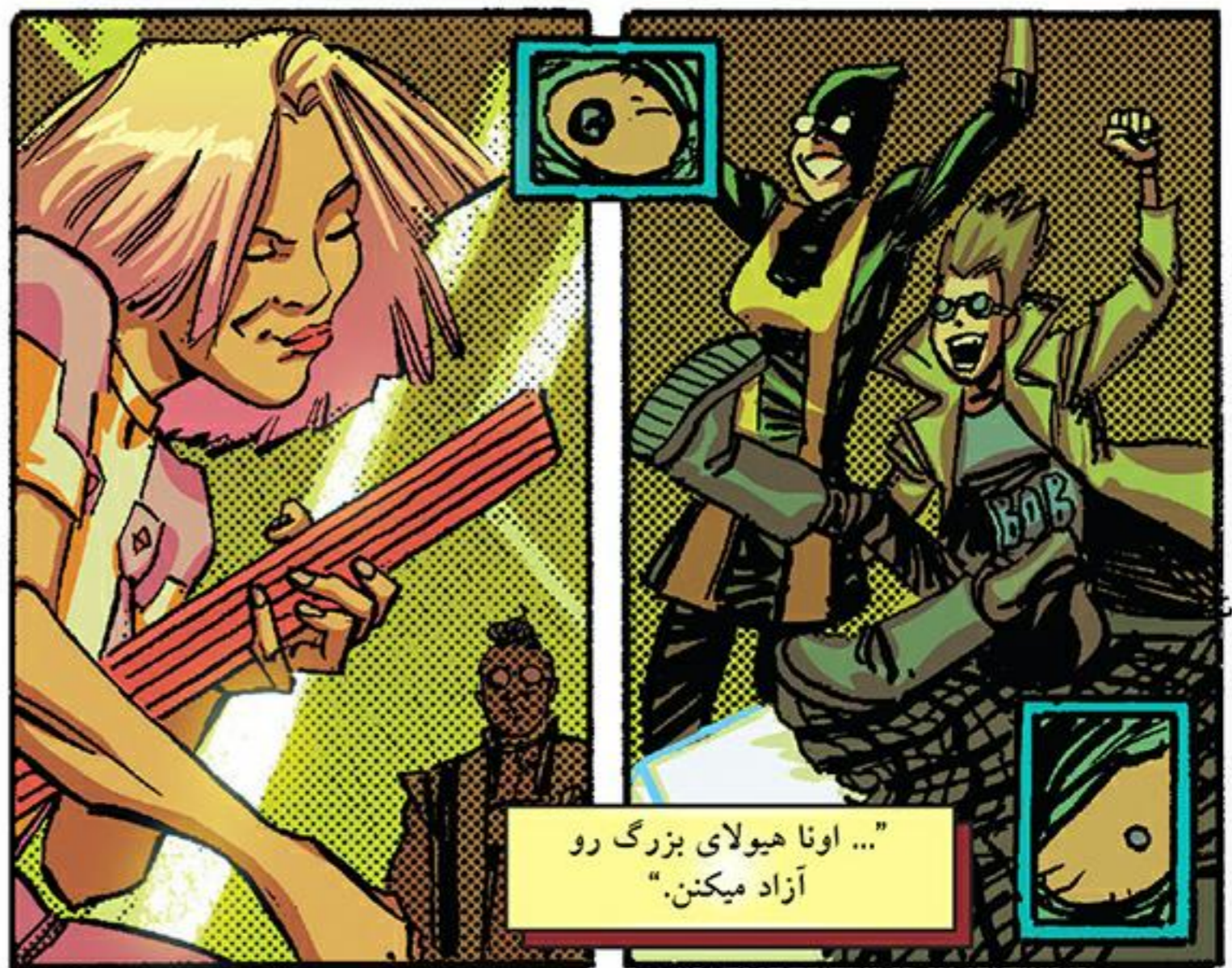
"... و افراد من به تابوت  
شیشه ای اضافه مونده از جنگ  
مامانم بر علیه مخالفاش دارن."



آآخ!  
داری بلوف  
میزنی.  
نه.



"اگه کنسرت تموم بشه و  
من بهشون چیزی نگفته  
باشم ..."



"... اونا هیولای بزرگ رو  
آزاد میکنن."



میخوامم  
میکشمت!



تلاشتو  
میکردی.



محض احتیاط  
میبرسم: مطمئنی میخوای  
این کار رو کنی؟



کلی از مشتری های  
موادمون اینجان.



تو کاملاً روانی ای!

شاید جفتمون باشیم. بین چطوری لباس پوشیدیم.

چرا انقدر از وید متنفری؟



به صورتم نگاه کن! به ارثی که بر دم نگاه کن!



تو حالا واسه من کار میکنی.

میدونم که میدونی وید کجاست.

برو پیشش. کاری رو میکنی که من نتونستم بکنم: وید ویلسون رو به حرف بیار تا بگه شیکلاه کجاست.

همه کسانی که توی باغن رو تو حساب کردن.



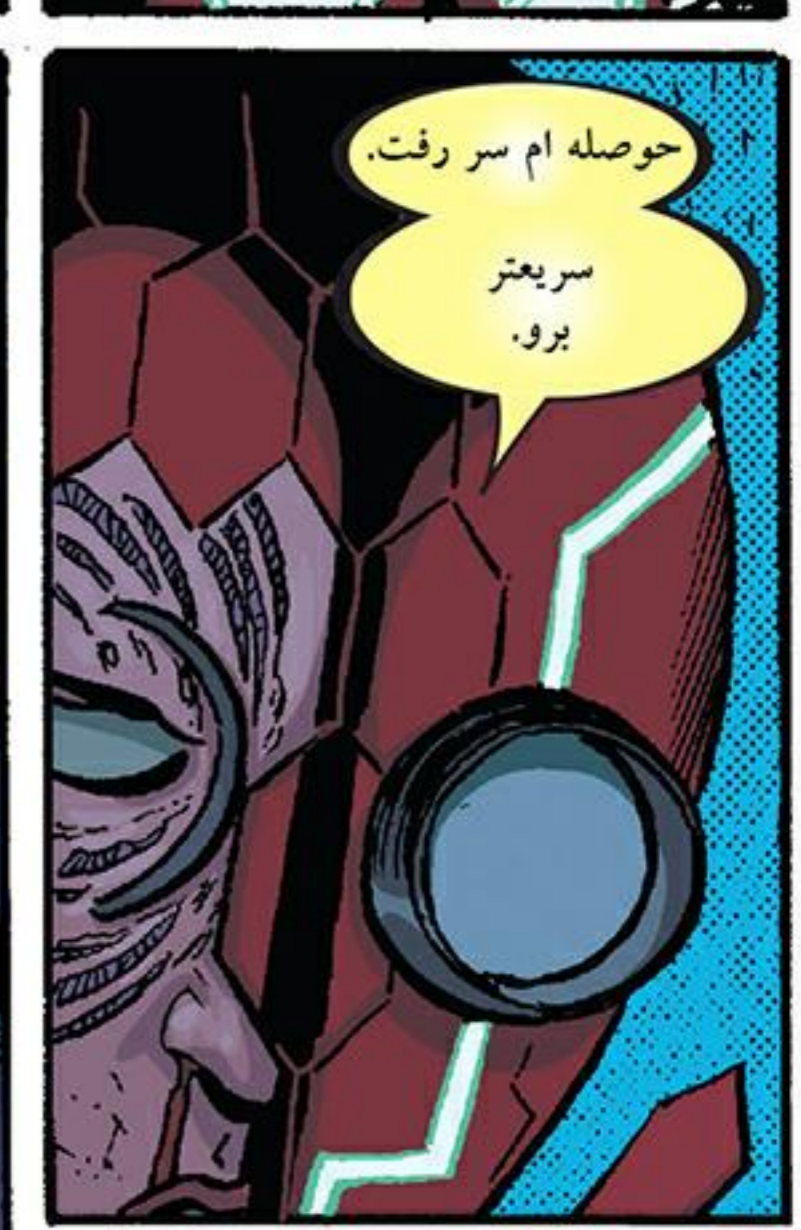
تیک تاک تیک تاک ... و اگه پلیس ببینم، همه شون میمیرن.



من تا حالا کسی رو نکشتم ...



... امشب شاید همه چی عوض شه.



حوصله ام سر رفت. سریعتر برو.

"... کنسرت کمتر از دو ساعت دیگه تموم میشه."

حسابی حس زنده بودن میکنم!

حسابی حس سرها میکنم!

واردا شاید ظالم بوده باشه، ولی همیشه دمای خونه رو روی ۱۲۳ اینا نگه میداشت.

وای! رانندگی اتوماتیکش دوباره فعال شد!

کجا داریم میریم؟؟

نمیدونم. ولی هرکی که داره کنترلش میکنه همین نزدیکیاست!

رسیدیم ... حالا هرجایی که هست.

قبلا که بدن داشتم، اینجا یکی از شعبه های مکدونالد بود.

هه! اونا که سالها پیش ورشکست شدن رفت!

تعطیله!





واسه چی مارو آوردی اینجا؟

انگشتت رو به سمت صورت من نگیر.

من حتی ...



WAAAKK

آآآخ!

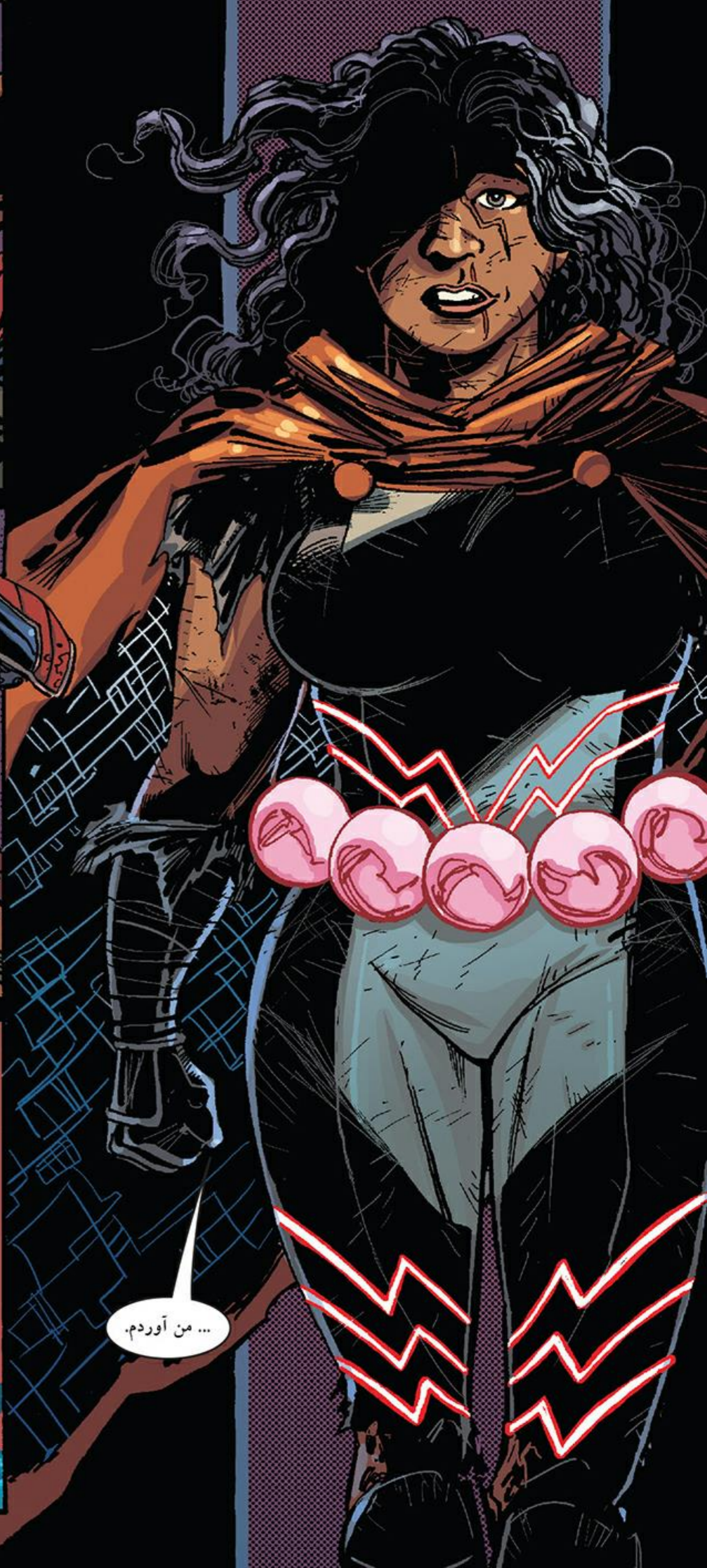
همیشه درست میگفتن ... زدن یکی مثل موتورسواری میمونه.



هیچکس همچین چیزی نگفته.



و اون هم کسی نیست که شما رو آورده اینجا ...



... من آوردم.

مامان.  
ویدا.

میمیری  
اگه صدام کنی  
...

خیلی  
خوب.

**ویدا.**





یادمه داشتی میمردی.

فکر کنم این به رفتار پدرانه ی معروف تو خانواده ی ویلسون باشه.

به علاوه، شست و شوی مغزی، گلوله توی مغز و چندین بار از دست دادن قدرات و پس گرفتنشون. شکی نیست که تو هم وضعت افتضاحه.



حالا بگو ببینم! این چه وضعه لباس پوشیدنه دختر جوان؟

نه که از دیدنت خوشحال نباشیم، ولی لباست به کم نامناسبه.

به هر حال منم "خواهش میکنم" که از زندان نجاتت دادم.



ما فقط ...

ما نمیخواستیم که اوضاع اینطوری بشه ...



کی اون زخما رو برات درست کرده؟ یادم نمیداد که ... قدرت ترمیم منو گرفتی؟؟



واقعا یادت نمیداد ...؟

همه ی اون چیزا رسیده به وارد، وید.







تو شانس میاری  
که میری درش بیاری!  
باور کن، کار سختتر  
واسه منه.



ما نمیتونیم  
تنهایی از پس واردا  
بر بیایم...



ولی فکر کنم  
بدونم کجا میتونم به کم  
کمک بگیرم!



الی.  
ممنونم.



نگهش دار  
واسه خودت  
پیرمرد.



بعدا حالا سر  
یه قهوه با هم حرف  
میزنیم.



فعلا باید  
به کارای دیگه  
برسیم.



وید، گوش کن:  
تو نمیتونی از پس  
واردا بر بیای.

نه، من  
نمیتونم.



فعلا به ایده واسه  
اینکه چطوری به جلوش  
رو بگیریم دارم، ولی  
تو ازش خوش  
نمیاد.



پس واقعا میخوای  
شیکلاه رو برگردونی  
بهش؟



نمیدونم.  
حالا هر موقع به اونجا  
رسیدیم به کاریش  
میکنیم.

کی این قضیه  
مهم بوده؟  
کجا داریم  
میریم؟



ایتالیای کوچولوی  
سال ۲۰۹۹ خیلی  
چیزا اینجا عوض  
شده.

کی میتونست فکرش  
رو کنه که اون تو  
سال ۲۰۹۹ هم هنوز  
زنده است؟

بریم سراغ اونچرز  
یا شیلدا؟



اگه په نفر باشه  
که بتونه کمی عضله  
بهمون برسونه، اون کسی  
نیست جز مراقب خیابونا.



من اینجام که  
استادتون رو بینم.

ما استادی  
نداریم.



پس مشکلی نداری  
اگه ما په کم این دور و برا  
بگردیم و مطمئن شیم استادی  
جایی لم نداده؟



احسن.



نمیدونی که من  
چندبار دلم خواسته اون  
کارو کنم.



از این  
طرف!



استاد میخواهد  
که خودش په طور شخصیا  
به این مهاجم رسیدگی  
کنه.

خیلی دل و جیگر  
داری که اومدی اینجا.



جای دیگه ای  
رو نداشتیم که  
برم.



میدونستم همچین  
روزی میرسه! یادته آخرین  
باری که همو دیدیم چی  
گفتم؟



گفتی که هیچکس  
نمیتونه کل سفر رو  
تنهایی بره.  
حق یا تو  
بود!



وای!  
**تو!**  
پس همونطور  
که گفتم درست  
بود.  
بیا جلو، وید  
ویلسون ...

... و یه بغل  
به آبرون فیست جاودان  
بده! من هر کاری واسه قدیمترین  
دسوت زنده ام، ددپول،  
میکنم!



# قسمت بعدی:

COMIC CITY



TRADD 6/16 MW

ترجمه شده در:

# کمیک سینتی

مرجع دانشمند کمیک ترجمه شده



وبسایت ما: [www.comic-city.ir](http://www.comic-city.ir)

 @ComicCityIR

 @ComicCityIR

**COMIC CITY**